

بررسی رویکرد یک دولت سکولار به «آموزش‌های دینی»: مطالعه موردی آموزش‌های اسلامی در کشور غنا

محسن معارفی*

چکیده

بازگشت قوی دین به عرصه‌های اجتماعی طی سال‌های اخیر، آینده دولت‌های سکولار را به «میزان توانایی مدیریت آنها در مواجهه با دینداران» گره زده است؛ برخی دولت‌های سکولار ارائه‌ی هدفمند «آموزش‌های دینی» را بهترین مسیر برای همزیستی مسالمت‌آمیز دینداران می‌دانند و برخی دیگر این آموزش‌ها را مانعی در مسیر مدرنیته معرفی می‌کنند که باعث بروز اختلافات و تکه‌تکه شدن جامعه می‌شود. قضاوت کلی درباره وضعیت آموزش‌های دینی در کشورهای سکولار نادرست است و گریزی از «مطالعه موردی کشورها» در این خصوص نیست. سؤال اصلی این نوشتار این است که «آموزه‌های دینی، به‌ویژه آموزش‌های اسلامی» در کشور غنا به عنوان یکی از کشورهای پیشگام در ارائه آموزش‌های دینی توسط دولت سکولار چگونه است؟ روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-توصیفی است و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً با روش کتابخانه‌ای و نیز بررسی‌های میدانی جمع‌آوری شده است. براساس یافته‌های تحقیق دولت غنا راهی بین دو رویکرد «تعلیم درباره تعهد» و «تعلیم از روی تعهد» را برای ارائه آموزش‌های دینی برگزیده است. ضمن اینکه دولت سعی می‌کند فعالیت مدارس و مراکز دینی را در چارچوب و ساختارهای مشخصی آزاد بگذارند. آشنایی با رویکردها و سیاست‌های آموزشی این کشور، باعث ابفای نقش فعال‌تری در حوزه آموزش دینی برای تحقق اهداف بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌شود. واژگان کلیدی: غنا، آفریقا، آموزش‌های دینی، مسیحیان، مسلمانان.

مقدمه

«دانش دینی» برای فهم کامل فرهنگ، تاریخ، ادبیات، هنر و حتی مسائل جاری جهان ما ضروری است. حذف آموزش‌های دینی به معنای نادیده گرفتن بخش مهمی از زندگی انسان‌هاست (Anti & Anum, 2003, p. 115) و هیچ دولتی نمی‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها آن را نادیده بگیرد. بعد از حادثه یازده سپتامبر «چگونگی ارائه آموزش‌های دینی در حوزه عمومی» در ادبیات دانشگاهی رشد مضاعفی یافت. این مسئله در «دولت‌های دینی»^۱ تا حدودی آسان‌تر از دولت‌هایی است که خود را «دولت سکولار»^۲ نامیده‌اند.

دولت‌های دینی دارای دین رسمی^۳ هستند که توسط دولت حمایت می‌شوند؛ درحالی‌که دولت سکولار هیچ دین رسمی ندارد و طبق اصل جدایی «نهاد دین» از «نهاد دولت»^۴ مدعی است که تمام امور دولتی از جمله آموزش و پرورش، مستقل از نهادهای دینی اداره می‌شود.^۵ منظور از «دولت سکولار» شکلی از حکومت است که براساس آن فرض می‌شود دولت رسماً نسبت به دین خنثی است و حمایتی از دینداری و یا بی‌دینی شهروندان ندارد (Madeley, 2003, P.14).

امروزه به جز چند کشوری که «اسلام» یا «مسیحیت» یا «بودیسم» دین رسمی دولت آنهاست، دیگر دولت‌ها خود را دولت سکولار نامیده‌اند. هر کدام از «دولت دینی» و «دولت سکولار» دارای طیف وسیعی از ترتیبات سیاسی هستند.

دولت‌های سکولار با توجه به نوع نگاه و تعامل آنها به مقوله حضور دین در حوزه عمومی خود به دو گروه «سکولاریسم افراطی (یا تهاجمی)»^۶ و «سکولاریسم معتدل»^۷ تقسیم می‌شوند. دولت‌های سکولار افراطی، دین را باعث بروز اختلافات و تکه تکه شدن جامعه می‌دانند. این کشورها معمولاً «آموزش‌های دینی» را مانعی در مسیر مدرنیته معرفی می‌کنند و اصرار دارند که دین امری کاملاً شخصی است و صرفاً باید در خانه‌ها و محیط‌های بسته انجام گیرد و هر گونه نمایش عمومی دینی متدینان نوعی تهاجم به ارزش‌های سکولاری است (Long, 2012, p. 604) و لذا «آموزش‌های دینی» توسط دولت در این کشورها ممنوع است با این استدلال که هر گونه آموزش دینی باعث نهادینه شدن تبعیت دولت از افکار و عقاید دینی می‌شود (Jackson, 2012).

1. Religious States

2. Secular States

3. Official Religion

4. Separation of Church and State

۵. در این نوشتار معنای سکولاریسم سیاسی مورد نظر است و نه سکولاریسم فلسفی و سکولاریسم اجتماعی، فرهنگی.

6. Extreme (Aggressive) Secular State

7. Moderate Secular State

واضح است که این نوع رویکرد، خود نقیض سکولاریسمی است که مدعی تحمل مخالف و تحمل همه صداهاست.

در مقابل «دولت سکولار معتدل» از آزادی دینی و فعالیت‌های دینی در اجتماع حمایت می‌کند و مدعی است دولت هیچ دین و مذهبی را به دیگری ترجیح نمی‌دهد و در تعامل خود با شهروندانش، استدلال‌های مربوط به حوزه عمومی را بر پایه مصالح و دلایل دینی استوار نمی‌کند. یک دولت سکولار معتدل حتی ممکن است در برخی نمادهای ملی خود، همانند پول رایج، سرود ملی، پرچم، سوگندنامه‌های رسمی و ... از تعابیر و مضامین دینی مورد قبول اکثریت جامعه بهره بگیرد.

در این دولت «آموزش دینی» معمولاً نه تنها مانع و رادعی در مسیر مدرنیته نیست، بلکه یک عامل مهم در تحقق ارزش‌های مورد نظر دولت سکولار مبنی بر تحمل مخالف و همزیستی مسالمت‌آمیز است. مدافعان «آموزش‌های دینی» در این کشورها بر این باورند که آموزش‌های دینی به طور تاریخی مردم را اجتماعی و اخلاقی کرده است و ارائه این آموزش‌ها به خردسالان و نوجوانان آنها را مسئولیت‌پذیر، اهل مدارا و معنوی بار می‌آورد (Ibid).

اما اینکه یک دولت سکولار چگونه آموزش‌های دینی را سامان دهد، همواره محل بحث بوده است. آیا می‌توان آموزه‌های دینی را بدون تأثیرپذیری از آیین مورد قبول استاد به دانش‌آموزان ارائه نمود؟ آیا می‌توان هژمونی سازمان‌های قدرتمند و اکثریت دینی را که معمولاً از این بستر برای تبلیغ دین خود استفاده می‌کنند، کنترل کرد؟ چگونه و چه نهادی می‌تواند بنیادگرایی دینی را تشخیص دهد؟ مسائلی از این نوع باعث شده است دولت‌های سکولار از نظر مجاز بودن آموزش دینی در مدارس دولتی بسیار اختلاف نظر داشته باشند و در همان مواردی که اجازه می‌دهند، در نوع آموزش ارائه شده نیز متفاوت عمل می‌کنند. ترتیبات «آموزش‌های دینی» در کشورهای آمریکا، انگلیس، نیوزلند، آلمان، ژاپن، غنا، آفریقای جنوبی، سنگاپور، ترکیه، هند و ... بسیار متفاوت از یکدیگر است؛ به طوری که قضاوت کلی درباره وضعیت آموزش‌های دینی در این کشورها را نادرست می‌نمایاند و گریزی از «مطالعه موردی کشورها» در این خصوص نیست.

در این مقاله به «رویکرد دولت غنا در ارائه آموزش‌های دینی در این کشور» پرداخته می‌شود و البته نگاه خاص‌تری به نحوه آموزش‌های اسلامی در این کشور نیز می‌شود. بنابراین سؤال اصلی این نوشتار این است که «آموزش‌های دینی، به ویژه آموزش‌های اسلامی» در کشور غنا چگونه است؟ مطالعه نحوه تعامل کشور غنا به عنوان فانوس دموکراسی آفریقا^۱ و نخستین کشور استقلال

1. The Beacon for Democracy in Africa

یافته آفریقایی زیر صحرا، ضمن اینکه باعث شناخت بیشتری نسبت به فرهنگ و سیاست این کشور می‌شود، ما را به عنوان شهروندان یک کشور اسلامی، با برخی ظرفیت‌های این کشور در عرصه آموزش‌های دینی بیشتر آشنا و مسیر همکاری و دیپلماسی دینی و آموزشی دو کشور را هموارتر می‌کند. تحقق اهداف بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش و ایفای نقش فعال در این عرصه بدون آشنایی دقیق با رویکردها و سیاست‌های مختلف کشورها به مقوله آموزش دینی ممکن نیست و این امر ضرورت این پژوهش را آشکار می‌کند؛ به‌ویژه با توجه به انتظارات روزافزونی که از ج.ا.ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای اسلامی در زمینه آموزش‌های اسلامی در عرصه بین‌الملل وجود دارد.

روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-توصیفی است و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً با روش کتابخانه‌ای و نیز بررسی‌های میدانی با توجه به حضور پنج ساله نویسنده در این کشور به عنوان رئیس یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی مسلمانان غنا جمع‌آوری شده است.

ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

بازگشت قوی دین به عرصه‌های اجتماعی طی سال‌های اخیر، آینده دولت‌های سکولار را به «میزان توانایی مدیریت آنها در مواجهه با دینداران» گره زده است؛ با وجود تعداد زیاد این دولت‌ها، همچنان قریب به اتفاق مردم جهان (۸۴ درصد) پیرو یکی از ادیان هستند (Pew Report, 2012, p. 9). روند فزاینده مهاجرت و مواجه شدن بسیاری از کشورها با شهروندانی از فرهنگ‌ها و ادیان مختلف باعث افزایش تنوع دینی در کشورها شده است.

به طور مثال شهروندان سنگاپور ۱۸ درصد مسیحی، ۱۴ درصد مسلمان، ۱۶ درصد بی‌دین، ۵ درصد هندو، ۳۴ درصد بودایی، ۲ درصد پیرو ادیان بومی، ۱۰ درصد پیرو ادیان متفرقه و کمتر از ۱ درصد یهودی‌اند. مؤسسه پژوهشی Pew با معرفی شاخص تنوع دینی (RDI)^۱ این تنوع دینی را در کشورها و مناطق مختلف اندازه‌گرفته است. بر اساس این شاخص کشورها به چهار گروه بسیار متنوع (بالتر از ۷)، متنوع (بین ۵/۳ تا ۶/۹)، با تنوع متوسط (۳/۱ تا ۵/۲)، با تنوع کم (کمتر از ۳/۱) تقسیم می‌شوند (Pew Report, 2014, p. 7).

به طور مثال شاخص RDI برای کشور سنگاپور ۹، برای غنا ۴/۷ و برای ایران با جمعیت بالغ بر ۹۹ درصد مسلمان، یک دهم (۰/۱) است. در جدول زیر وضعیت شاخص RDI در مناطق مختلف نمایش داده شده است (Ibid):

1. Religious Diversity Index

جدول ۱. شاخص تنوع دینی در جهان (RDI): درصد افراد و گروه‌های مختلف دینی

وضعیت تنوع دینی در مناطق مختلف جهان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	متوسط	کم	کم
آسیای شرقی - اقیانوسیه RDI=9.2	آفریقای زیر صحرا RDI=5.8	اروپا RDI=4.6	آمریکای شمالی RDI=4.2	آمریکای لاتین و مرکزی RDI=2.1	خاور میانه و شمال آفریقا PDI=1.5	
مسیحی	۷درصد	۶۳درصد	۷۵درصد	۷۷درصد	۹۰درصد	۴درصد
مسلمان	۲۴	۳۰	۶	۱	<۱	۹۳
بی دین	۲۱	۳	۱۸	۱۷	۱۸	۱
هندو	۲۵	<۱	<۱	۱	<۱	۱
بودایی	۱۲	<۱	<۱	۱	<۱	<۱
ادیان بومی	۹	۳	<۱	<۱	۲	<۱
غیره	۱	<۱	<۱	۱	<۱	<۱
یهودی	<۱	<۱	<۱	۲	<۱	۲

اگر دولت‌های سکولار نتوانند این تنوع دینی را مدیریت کنند، به یقین چیزی جز شکست در انتظار آنها نخواهد بود (Zucca, 2012). این مدیریت تنها از مسیر بهبود همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان می‌گذرد که «آموزش‌های دینی» نقش اساسی را در آن ایفا می‌کند. در «آموزش‌های دینی» سه رویکرد مهم وجود دارد:

۱. رویکرد «تعلیم برای تعهد»: این رویکرد که به آن رویکرد اعتراف^۱ نیز گفته می‌شود، همان رویکرد باستانی استفاده شده توسط کلیساها و مدارس دینی قدیمی است که با تأکید بر صحت آموزه‌های دینی صرفاً از شاگرد خواسته می‌شود به آنچه آموزش داده می‌شود پایبند و متعهد شود از آنجا که در این رویکرد هیچ استدلال و شواهد علمی ارائه نمی‌شود هیرست (Hirst, 1973, 88) و کازپیدس (Kazepides, 1983, p.264) آن را روشی تلقینی^۲ و نه تعلیمی هم دانسته‌اند. بر این روش اشکالات متعددی وارد شده است؛ از جمله اینکه استقلال فکری^۳ شاگرد نادیده گرفته می‌شود و چه بسا باعث بنیادگرایی دینی شود که در بدترین حالت می‌تواند با سوء استفاده دیگران باعث آسیب به خود یا دیگری شود (Tan, 2020, p.4). البته دلیلی ندارد که بگوئیم دولت‌های دینی از این روش در آموزش‌های دینی بهره می‌گیرند و آموزش‌های دینی را صرفاً به روشی غیراستدلالی آموزش می‌دهند؛ زیرا استقلال فکری با آموزش و تعهد دینی سازگار است و یک ایمان واقعی یک ایمان مستدل است (Ibid)؛

1. Teaching for Commitment
2. Confessional Approach
3. Indoctrination Way
4. Rational Autonomy

۲. رویکرد «تعلیم درباره تعهد»:^۱ در این رویکرد که به آن رویکرد پدیدارشناختی^۲ نیز گفته می‌شود، فراگیران به جای آشنایی با آموزه‌های یک دین، ادیان مختلف را به صورت تاریخی، عینی و بیطرفانه فرا می‌گیرند و هیچ دیدگاه مذهبی بر دیگری ترجیح داده نمی‌شود. در این رویکرد دانش‌آموزان بیش از آنکه درباره مفاهیم معنوی تأمل کنند و به انجام «دستورالعمل دینی»^۳ ترغیب شوند، با یادگیری اختلاف باورها و رسوم ادیان گوناگون، «دانش دینی»^۴ خودشان را درباره ادیان مختلف افزایش می‌دهند (Ibid).

رویکرد غالب دولت‌های سکولار کنونی همین رویکرد پدیدارشناختی است. رویکرد پدیدارشناختی با وجود ژست پرهیز از جانبداری دین خاص، با ایرادها و اشکال‌های زیادی مواجه شده است. رایج‌ترین انتقاد این است که با ارائه تصویری ناقص و سطحی از ادیان مختلف، فهم و درک درستی را به دانش‌آموز منتقل نمی‌کند و حتی می‌تواند چهره دین را پیش او تخریب و چهره نادرستی از ایمان پیش دانش‌آموز ترسیم کند. آشنایی با تاریخ و آداب دینی ادیان مختلف دانش‌آموز را برای داشتن زیست مؤمنانه ترغیب و تشویق نمی‌کند و لذا این آموزش‌ها برای والدینی که دوست دارند فرزندانشان آگاهی همدلانه از دین^۵ داشته باشند، جذابیتی ندارد (Tan, 2020, p. 2).

افزون بر این، این پیش‌فرض که تلقین و کاهش استقلال فکری وقتی اتفاق می‌افتد که فقط یک دین تعلیم داده شود، درست به نظر نمی‌رسد. این نوع تلقین به نحوه آموزش دیدگاه‌های دینی بستگی دارد و نه به تعدد دین‌های تدریس شده. یک معلم می‌تواند عمداً مطالب تطبیقی و تاریخی را درباره ادیان به گونه‌ای تدریس کند که به معنای تلقین یک دین خاص باشد (Bartkowiak, 1999, p. 193). از این رو، روش پدیدارشناختی، با تأکید بر بی‌طرفی و کثرت‌گرایی، نمی‌تواند نوعی آموزش دینی را تضمین کند که غیرقابل تلقین است؛

۳. رویکرد «تعلیم از روی تعهد»:^۶ در این رویکرد ابتدا به دانش‌آموزان یکی از ادیان آموزش داده می‌شود؛ اما همزمان سعی می‌شود که «استقلال فکری» دانش‌آموز نیز بهبود یابد. این رویکرد بر اساس ایده «فرهنگ اولیه»^۷ شکل گرفته است که توسط آکرمن (Ackerman, 1980) و مک لافلین (McLaughlin, 1984, p.81) توسعه یافته است. فرهنگ اولیه بر اهمیت نقش والدین در

-
1. Teaching about Commitment
 2. Phenomenological Approach
 3. Religious Instruction
 4. Religious Knowledge
 5. empathetic awareness of religion
 6. Teaching from commitment
 7. Primary Culture

ارائه یک فرهنگ پایدار و منسجم به عنوان پیش شرط توسعه شخصیت فرزند به عنوان یک شهروند با استقلال فکری تأکید دارد.

فرهنگ اولیه به‌ویژه نسبت به کسانی که در اقلیت دینی هستند، بسیار مهم است. فرهنگ اولیه با اشتراک اعتقادات اولیه هم باعث حفظ ادیان و عقاید می‌شود و هم تعارضی با استقلال فکری فرزند در آینده ندارد که هر کدام را بخواهد ترجیح دهد. اگر در جامعه از همان ابتدا با فرهنگ لیبرالی به سراغ دین و فرهنگ رفته شود، لیبرالیسم ظالمانه سنت‌های مذهبی را با فشارهای طولانی مدت خود تضعیف و یا حذف خواهد کرد (Tan, 2020, p. 3). تعلیم اعتقادات اولیه به نوآموز و ارائه یک جهان‌بینی خاص را تا زمانی که «استقلال فکری» آنها خاموش نشود، نمی‌توان صرفاً تلقین و القاء دانست و آنرا سرزنش کرد؛ بلکه برعکس، تعلیم این فرهنگ اولیه باعث رشد قوه انتقادی فرد در آینده می‌شود که گزینه‌های مختلف را با شوق و هیجان بیشتری ارزیابی کند (Ibid).

بدون اعتقادات اولیه، هیچ مقایسه‌ای وجود ندارد و فردی که بدون دستورات عمل‌های دینی تربیت شده باشد وقتی در آینده با دیدگاه‌های مخالف روبه‌رو می‌شود، احتمالاً به جای اینکه دست به‌گزینش بزند، نسبت به گزینه‌های مختلف بی‌تفاوت خواهد بود (LaFollette, 1996, p. 165). در واقع هدف کوتاه مدت از تعلیم متعهدانه آموزه‌های دین این است که ایمان در قالب یک فرهنگ اولیه پایدار شکل بگیرد؛ البته ایمانی که نمی‌توان آن را از نفوذ تغییر در آینده مصون دانست. هدف بلندمدت نیز این است که با نگاه انتقادی درباره دیدگاه متعهدانه‌ای که در آن پرورش یافته است، تأمل کند و با استقلال فکری در آینده درباره ایمانش دست به انتخاب بزند. به این صورت می‌توان تعهد و آزاداندیشی را همزمان در تعلیم آموزه‌های دینی حفظ کرد. مک لافلین (1984) این روش را «استقلال از طریق ایمان»^۱ نامیده است. نکته مهم در این رویکرد این است که آموزش دین به روشی باز و پرسشگرانه انجام شود و نگرش مدارا، درک و تحمل اختلاف مذهبی افزایش یابد (Tan, 2020, p.4).

این رویکرد هم توسط دولت دینی و هم توسط یک دولت کثرت‌گرا قابل استفاده است. هر کدام از کشورها با دستورات عمل‌های مختلفی سعی می‌کنند فواید ناشی از آموزش‌های دینی را برای شهروندان‌شان به ارمغان بیاورند و از آسیب‌های آن بکاهند. سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE)^۲ گزارش مبسوطی با نام «اصول راهنمای تولدو»^۳ درباره آموزش ادیان و عقاید در مدارس

1. Autonomy via Faith

2. Organization for Security and Co-operation in Europe

۳. تولدو (Toledo) نام شهری در اسپانیا با تنوع دینی و تاریخی است که پروژه از آنجا شروع شد.

عمومی»^۱ منتشر کرده و در ضمن آن ده توصیه نسبت به ضرورت گنجاندن دروس دینی در برنامه‌های درسی مدارس دولت‌های سکولار اروپا و نحوه ارائه این آموزش‌ها بیان کرده است (ODIHR Advisory Council, 2007, p. 76-78).

مرکز ائتلاف تمدن‌های سازمان ملل (UNAOC)^۲ در سال ۲۰۰۸ تشکیلاتی برای مطالعات و هم‌افزایی نظری و کاربردی درباره آموزش‌های دینی با نام «مؤسسه آموزش‌های دینی و عقاید (ERB)»^۳ ایجاد کرد که افزون بر یک نشریه علمی و برنامه‌های علمی، تلاش می‌کند مؤسسات و مراکز فعال در این عرصه را با یکدیگر پیوند دهد. اتحادیه اروپا با مشارکت دانشگاه هامبورگ و مانستر (آلمان)، دانشگاه وارویک (انگلیس)، دانشگاه گراند (اسپانیا)، دانشگاه سنت پترزبورگ (روسیه)، دانشگاه ترتو (استونی)، دانشگاه استاونجر (نروژ)، دانشگاه آزاد و آتریچ (هلند) و دانشگاه سورین (فرانسه) پروژه‌ای تحقیقاتی با نام «آموزش دینی، مشارکتی برای گفتگو و با عاملی برای نزاع در جوامع متحول کشورهای اروپایی»^۴ را در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۹ تعریف کرد که گزارش‌ها و یافته‌های آنها درباره چگونگی کمیت و کیفیت آموزش‌های دینی در مجموعه کتاب‌هایی با نام «تنوع دینی و آموزش در اروپا»^۵ منتشر می‌شود.

در این باره همچنین کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی طی سال‌های اخیر منتشر شده است. یکی از نظراتی که در این پژوهش‌ها و مقالات مشابه، مورد تأکید قرار گرفته است «نظریه آموزش دینی و فن تعلیم» آقای دکتر رابرت جکسون است. آقای جکسون با استناد به ایده‌ها و روش‌های مطالعات قوم‌نگاری خود و تحت تأثیر یافته‌های جدید در انسان‌شناسی اجتماعی، هرمنوتیک، مطالعات بین‌فرهنگی و روانشناسی اجتماعی و با کاربست رویکرد تفسیری نشان داد پتانسیل آموزشی مطالعه دین در مدارس دولتی دست کم گرفته شده است و نباید به مدارس دولتی صرفاً به عنوان مکان‌های آموزش سکولار فکر کرد؛ بلکه با ارائه آموزش‌های دینی در مدارس دولتی زمینه برای تکامل، رشد شخصیتی دانش‌آموز و تکرگاری فراهم می‌شود (Jackson, 2012).

درباره آموزش دینی در کشور غنا نوشته‌های متعددی به زبان انگلیسی وجود دارد که «آموزش‌های دینی در یک کشور دموکراتیک؛ مطالعه موردی غنا»^۶ و نیز «چالش‌های پیش روی

1. Toledo Guiding Principles on Teaching about Religions and Beliefs in Public Schools

2. United Nations Alliance of Civilizations

3. Education about Religion and Beliefs clearinghouse

4. Religion in Education. A contribution to Dialogue or a factor of Conflict in transforming societies of European Countries

5. Religious Diversity and Education in Europe

6. Religious Education in A Democratic State: The Case of Ghana

آموزش‌های دینی در آفریقا؛ مورد غنا»^۱ از جمله آنهاست. نویسندگان ضمن بیان چرایی ارائه این آموزش‌ها از منظر دولت سکولار غنا، به تاریخچه درس آموزش‌های دینی و اخلاقی در غنا پرداخته و برخی از مشکلات فراروی این درس را بیان کرده‌اند. در این مقاله ضمن استفاده از یافته‌های این نوشته‌ها، مطالب تکمیلی بیشتری به‌ویژه در رابطه با آموزش‌های اسلامی در غنا بیان می‌شود.

دولت سکولار غنا و نظام آموزشی آن

براساس قوانین متعدد کشور غنا، از جمله مواد ۲۱ و ۵۶ قانون اساسی ۱۹۹۲ دولت غنا یک دولت سکولار است که در آن آزادی دینی و حق ابراز هر اعتقادی تضمین شده است. دولت دین رسمی ندارد و از نگاه او هیچ دینی بر دین دیگر برتری ندارد و دولت حق ندارد از دین خاصی، ولو دین اکثریت، حمایت کند. با این حال تأکید می‌شود که غنا یک کشور ملحد^۲ و یا سکولاریسم افراطی نیست (Quashigah, 2010, p. 332)؛ بلکه دین در عرصه عمومی کشور حضوری قوی دارد.

قانون اساسی غنا (۱۹۹۲) با جمله «به نام خداوند متعال» شروع شده است. سرود ملی غنا با این عبارت تمام می‌شود که ای فرزندان سرزمین غنا، برخیزید و تحت حمایت خدا برای همیشه پیش بروید. تمام ادیان مورد احترام هستند و هم اکنون در غنا عید پاک مسیحیان و اعیاد قربان و فطر مسلمانان جزء تعطیلات عمومی کشور است. کلیساها و مساجد بسیار فعال هستند. بر اساس نتایج نظرسنجی که مرکز تحقیقاتی Pew در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد، با اینکه تقریباً در تمام دنیا جوانان نسبت به سالمندان تعهد و وابستگی دینی کمتری دارند، با این حال در دو کشور غنا و گرجستان جوانان حتی از سالمندان مذهبی‌ترند.

۹۱ درصد جوانان کشور (در برابر ۸۵ درصد سالمندان) گفته‌اند دین در زندگی آنها بسیار نقش مهمی دارد (Pew Report, 2018, p. 40)؛ به عبارتی یک غنایی اصیل یک خدا‌باور عمیق است (Quashigah, 2010, p.331). طبیعی است داشتن دولتی سکولار با اکثریت قریب به اتفاق مردم مذهبی، گاه می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. به طور مثال دولت غنا همواره در استدلال‌های عرفی و دنیوی برای منع هم‌جنس‌گرایی، روسپیگری و ... مشکل دارد. با وجود این، به وضوح می‌توان دید که در حوزه عمومی همواره لابی‌های قدرتمند دینی در غنا قوی‌تر از ژست سکولاری دولت ایفای نقش کرده‌اند.

1. Challenges facing religious education and research in Africa: the Ghana case

2. Atheistic State

نظام آموزشی غنا اگرچه بر اساس ارزش‌های دنیوی تنظیم شده است، ولی خاستگاهی دینی دارد و آموزش در غنا قبل از ورود اروپایی‌ها، صرفاً آموزش‌های مذهبی و سنتی و عمدتاً شفاهی بود. نخستین تلاش‌ها برای ارائه آموزش‌های دولتی رسمی توسط یک کشیش دانمارکی به نام جان ریچلین^۱ در سال ۱۹۳۸ با تأسیس مدرسه‌ای در آکرا آغاز شد. هم‌اکنون آموزش در کشور غنا در سه دوره آموزش‌های عمومی (۶ سال ابتدایی^۲ و سه سال راهنمایی)،^۳ آموزش‌های ثانویه (سه سال دبیرستان)^۴ و آموزش‌های عالی^۵ است (Ghana Education Service (GES): 2014).

دانش‌آموزان در پایان دوره عمومی مدرک BECE^۶ و در پایان دوره دبیرستان دانشنامه WASSCE^۷ یعنی دانشنامه کمیته امتحانات غرب آفریقا دریافت می‌کنند. طبق قانون اساسی غنا (۱۹۹۲) آموزش‌های ابتدایی و راهنمایی رایگان است. «رایگان کردن دبیرستان»^۸ از سال ۲۰۱۷ به اجرا درآمده که البته با مشکلات زیادی از جمله نبود بودجه و زیرساخت‌های کافی مواجه شده است.

آموزش‌های دینی در غنا

طبق برآورد سال ۲۰۱۶، کشور غنا بیش از بیست و هشت میلیون نفر جمعیت دارد (Ghana Statistical Service, 2 May 2018) که بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۰، مسیحیان ۷۱/۲ درصد، مسلمانان ۱۷/۶ درصد و بقیه پیرو ادیان سنتی آفریقا و یا دیگر ادیان هستند. این ادیان شامل بهائیت، بودیسم، یهودی، هندوئیسم، شینتو و ... است. آمار دقیقی از فراوانی پیروان این ادیان موجود نیست. ترکیب دینی مسلمانان شامل اهل سنت (عمدتاً مالکی)، تیجانیه، احمدیه و شیعه است. فرقه‌های مسیحیت نیز همچون کاتولیک،^۹ متودویست،^{۱۰} آنجلیکان،^{۱۱} منونیت،^{۱۲} پرتستان‌های انجیلی،^{۱۳} لوتری‌های انجیلی،^{۱۴} پنطیکاستی،^{۱۵} باپتیست^{۱۶} و ... در غنا حضور

1. John Von Richelien
2. Primary Education
3. Junior Secondary School
4. Senior High School
5. tertiary education
6. Basic Education Certification Examination
7. West African Secondary School Certificate Examination
8. Free SHS
9. Roman Catholic
10. Methodist
11. Anglican
12. Mennonite
13. Evangelical Presbyterian
14. Evangelical Lutheran
15. Pentecost
16. Baptist

فعالیتی دارند و همانند بسیاری از دیگر کشورها، «اختلافات مذهبی» و فرقه‌ای بیشتر از «اختلافات دینی» بروز و ظهور دارد.

بنابراین، کشور غنا از نظر دینی کشوری کثرت‌گراست و این امر کار برنامه‌ریزی آموزش دینی را در کشور دشوار می‌کند. از نظر دولت غنا آموزش‌های دینی نقش مهمی در معنادار کردن زندگی، کاهش فساد، بهبود اخلاق، حفظ محیط زیست، مقابله با هجوم ارزش‌های بیگانه و خودباوری و اعتماد به نفس دارد. زندگی در یک جامعه کثرت‌گرا مثل غنا، فقط با افزایش تحمل مخالف و همزیستی مسالمت‌آمیز ممکن است که این امر صرفاً با آموزش درست آموزه‌های دینی ممکن است. بنابراین، برای دستیابی به صلح، بهبود دموکراسی، کاهش بنیادگرایی دینی و سرانجام برای رشد و پیشرفت همه جانبه، ارائه «آموزش‌های دینی» به طور صحیح اهمیت دارد؛ چنانچه «توسعه و پیشرفت» هیچ وقت در کشوری رخ نمی‌دهد که دچار درگیری‌های مذهبی است (RME's Curriculum for Primary Schools, 2019).^۱

دولت غنا آموزش‌های دینی را با تأکید بر اصول و مفاهیم مشترک بین سه دین اسلام، مسیحیت و ادیان بومی آفریقا ارائه می‌دهد. تغییر دین یا مذهب دانش‌آموزان در هیچ برنامه دولتی نباید لحاظ شود و دولت صرفاً از آزادی انتخاب دین دفاع می‌کند؛ مطالعات با رویکرد فرقه‌ای به مراکز دینی خصوصی مربوط است (Awuah-Nyamekye, 2011, p. 8). براساس این، برنامه‌های دولت غنا برای «آموزش‌های دینی» در دو محور زیر دنبال می‌شود:

ارائه درس الزامی «مطالعات دینی و اخلاقی» توسط دولت غنا

دولت غنا درس «آموزش‌های دینی» را به عنوان یکی از دروس الزامی دوره تحصیلات عمومی اختصاص داده است. مؤسس غنای امروز، دکتر قوام انکروما، در سال ۱۹۵۱ طرح شتاب توسعه آموزش^۲ را تدوین کرد و در ضمن آن ماده «آموزش دینی (RI)»^۳ را برای مقطع ابتدایی گنجاند. در این ماده سه بخش «مطالعات اسلامی»، «مطالعات مسیحی» و «مطالعات ادیان سنتی آفریقا» لحاظ شد. در قانون آموزش سال ۱۹۶۱^۴ این ماده به «دانش دینی (RK)»^۵ تغییر نام داد و در سال ۱۹۷۲ مقرر شد مباحث دینی به همراه مباحث موسیقی و رقص تحت عنوان «مطالعات فرهنگی»^۶

۱. برگرفته از اسناد مختلف دولتی غنا از جمله پرونده مربوط به سرفصل‌های درس «مطالعات مذهبی و اخلاقی» وزارت آموزش غنا.

2. Accelerate Development Plan for Education
3. Religious Instruction
4. 1961 Education Act
5. Religious Knowledge
6. Cultural Studies

ارائه شود (Awuah-Nyamekye, 2011, p. 14). در سال ۱۹۸۷ اصلاحاتی در نظام آموزشی غنا شکل گرفت و این درس از برنامه آموزشی حذف شد. حذف این درس با اعتراض‌های فراوان جامعه دینی غنا به‌ویژه مسیحیان و مسلمانان مواجه شد. این اعتراض‌ها باعث احیای درس آموزش دینی با نام «آموزش دینی و اخلاقی (RME)»^۱ شد.

در بازنگری سال ۲۰۰۷ دولت تصمیم گرفت به خاطر کثرت مواد درسی و کمبود ساعات آموزشی، درس RME را از برنامه‌ریزی مقطع ابتدایی و راهنمایی حذف کند که با اعتراض جامعه دینی و به‌ویژه شورای مسیحیت غنا (CCG)^۲ مواجه شد. بعد از اعتراض‌ها قرار شد این درس جزء مواد امتحان نهایی نباشد که البته بعد از مدت کوتاهی حتی به برنامه امتحانی نهایی نیز برگشت (Ibid). با همه این‌کس و قوس‌ها، امروزه درس RME برای همه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و راهنمایی الزامی است. در دوره دبیرستان این درس ارائه نمی‌شود و صرفاً دانش‌آموزان رشته علوم انسانی باید یکی از دو درس «مطالعات مسیحی (CRS)»^۳ یا «مطالعات اسلامی (IRS)»^۴ را بر اساس سرفصل‌های مصوب آموزش و پرورش بگذرانند. در تحصیلات عالی نیز درس دینی جزء دروس عمومی الزامی مراکز عالی دولتی نیست. برای درس RME و نیز CRS و IRS وزارت آموزش سرفصل‌ها را به صورت زیر مصوب کرده است:

سرفصل‌های درس RME برای دوره ابتدایی

- خدا، آفرینش و صفات خدا (خدای خالق، محیط پیرامون، هدف از خلقت)؛
- آداب مذهبی و پیامدهای اخلاقی آن (عبادت در سه دین اصلی کشور غنا، جشنواره‌ها و مراسم مذهبی در سه دین اصلی کشور غنا)؛
- پیشوایان دینی (تولد پیشوایان سه دین اصلی کشور غنا، زندگی اولیه پیشوایان سه دین اصلی، فراخوان پیشوایان سه دین اصلی، تبلیغ و فرجام زندگی پیشوایان سه دین اصلی)؛
- خانواده و جامعه (نقش‌ها و مسئولیت‌ها، امنیت فردی در اجتماع)؛
- خانواده، اقتدار و اطاعت (اقتدار و اطاعت، نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی و شکل‌گیری شخصیت).

این سرفصل‌ها به صورت زیر در سال‌های اول تا ششم ابتدایی پوشش داده می‌شود (RME's Curriculum for Primary Schools, 2019):

1. Religious and Moral Education
2. Christian Council of Ghana
3. Christian Religious Studies
4. Islamic Religious Studies

جدول ۲. توزیع سرفصل‌های درس مطالعات دینی و اخلاقی در مقطع ابتدایی غنا

SCOPE AND SEQUENCE

STRANDS	SUB-STRANDS	B1	B2	B3	B4	B5	B6
God, His Creation and Attributes	God the Creator	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	The Environment		✓	✓	✓	✓	✓
	Purpose of God's Creation		✓	✓			
Religious Practices and their Moral Implications	Religious Worship in the Three Major Religions in Ghana	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	Religious Festivals in the Three Major Religions in Ghana	✓	✓	✓	✓	✓	✓
Religious Leaders	Birth of the Leaders of the three Major Religions in Ghana	✓					
	Early Life of the Leaders of the three Major Religions		✓				
	The Call of the Leaders of the Three Major Religions			✓			
	Ministry and latter Lives of Leaders of the Three Major Religions in Ghana					✓	✓
The Family and the Community	Roles and Relationships	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	Personal Safety in the Community	✓	✓	✓			
The Family, Authority and Obedience	Authority and Obedience				✓	✓	✓
	Roles, Relationships in the Family and Character Formation				✓	✓	✓

سرفصل‌های درس RME برای دوره راهنمایی

- خدا و آفرینش (هدفدار بودن و مفید بودن خلقت خداوند، نیاز به حفظ محیط زیست، راه‌های حفظ محیط زیست)؛
- صفات خدا (شناخت خدا از روی صفات، بروز صفات خدا در زندگی روزمره)؛
- نظام خانواده (دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده، بیان مزایا و معایب هر کدام از دو نوع خانواده، نقش هر یک از اعضا در خانواده، راه‌های تعامل اعضا با یکدیگر، اهمیت روابط سالم بین اعضا، خودارزیابی هنگام بروز مشکل در خانواده)؛
- اطاعت پذیری (اهمیت اطاعت پذیری، چرایی لزوم اطاعت از خدا، والدین و مقامات، آشنایی با برخی قواعد اطاعت)؛
- خانه و همسایه مذهبی (الگوی زندگی دینداران در سه دین اصلی غنا، راه‌های همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان مختلف با یکدیگر)؛
- مناسک دینی در سه دینی اصلی غنا (توصیف مناسک اصلی هر سه دین)؛
- زمان و نحوه انجام مناسک (آشنایی با عبادت پیروان سه دین اصلی، اهمیت اخلاقی عبادت در هر سه دین، توضیح انواع مختلف نماز و دعا در هر سه دین اصلی، تحلیل اهمیت اخلاقی نماز و دعا)؛

- آوازه‌های مذهبی و دلالت‌های اخلاقی آن (تفاوت بین آوازه‌های مذهبی و غیرمذهبی، شناخت ویژگی‌های اخلاقی آوازه‌ها و قرائت‌ها و به‌کارگیری ارزش‌ها در زندگی روزانه)؛
- احوال‌پرسی و پوشش (اهمیت و چرایی احوال‌پرسی و پوشش درست و مناسب)؛
- رفتار و ادب (معنای رفتار و ادب، نیاز به رفتار مؤدبانه در موقعیت‌های مختلف)؛
- محل کار (شناخت انواع مختلف کار، اهمیت کار به عنوان یک فعالیت انسانی، گسترش روحیه سخت‌کوشی، اهمیت و فواید سخت‌کوشی)؛
- پول (جایگاه پول و فواید آن، استفاده خردمندانه از پول، استفاده منصفانه و مناسب از پول، اهمیت مشارکت مالی در راه خدا، چرایی حرمت دزدی، خیانت، رشوه‌گیری و فساد با پول، بیان راه‌های کسب منصفانه پول)؛
- زمان و فراغت (نحوه استفاده درست از زمان، تفاوت بطالت و فراغت، نیاز به وقت فراغت)؛
- پیشوایان دینی و سنتی (چرایی نیاز به پیشوایان دینی و سنتی، بیان رسالت و الگوهای زندگی پیشوایان)؛
- آموزه‌های اخلاقی پیشوایان سه دینی اصلی (نقل برخی از آموزه‌های اخلاقی پیشوایان سه دینی اصلی، درس‌های اخلاقی از متون مقدس، چگونگی کاربرد ارزش‌های اخلاقی در زندگی)؛
- مراسم دینی (زمان و نحوه برخی مراسم دینی، دلایل برگزاری مراسم دینی، چرایی لزوم شرکت در مراسم دینی و به‌کاربردن ارزش‌های اخلاقی آنها در زندگی روزمره)؛
- سنت نامگذاری (سنت‌های مراحل مختلف زندگی، توصیف سنت نامگذاری، اهمیت سنت نامگذاری)؛
- سنت جشن بلوغ (معنای بلوغ، تغییرات فیزیکی و روحی بلوغ، برخی سنت‌ها و مراسم بلوغ، اهمیت دینی جشن بلوغ)؛
- سنت ازدواج در مسیحیت، اسلام و ادیان بومی آفریقا (بیان سنت‌های ازدواج در سه دین اصلی، غنا، اهمیت سنت ازدواج، لزوم ثبات در ازدواج)؛
- مناسک مربوط به مرگ در مسیحیت، اسلام و ادیان بومی آفریقا (مقایسه مناسک مرگ در سه دین اصلی، اهمیت مناسک مربوط به مرگ)؛
- به سوی یک زندگی پاک (توضیح مفهوم پاکی، بیان اهمیت یک زندگی پاک، راه‌هایی که به زندگی پاک منجر می‌شود)؛
- رفتارهای غیراخلاقی (معنا و انواع رفتار غیراخلاقی، تأثیر رفتار غیراخلاقی)؛

- آموزه‌های اخلاقی (بیان برخی آموزه‌های اخلاقی در سه دین اصلی غنا، توضیح آموزه‌های اخلاقی در ادیان بومی آفریقا، لزوم به‌کار بردن درس‌های اخلاقی در زندگی)؛
- تعهد (تعهد به خدا، خانواده و اجتماع، چگونگی زندگی کردن متعهدانه)؛
- کارهای نیکو و پاداش (آشنایی با کارهای نیکو، انواع پاداش، نیاز به ابراز تشکر، اهمیت اخلاقی انجام کارهای نیکو)؛
- کارهای زشت و کیفر (آشنایی با کارهای زشت، انواع کیفر، توضیح کارهایی که مستحق کیفرند، لزوم پرهیز از کارهای اشتباه و زشت)؛
- توبه (مراحل توبه، اهمیت توبه)؛
- سازمان‌های مذهبی جوانان (معرفی برخی سازمان‌های مذهبی جوانان در سه دین اصلی غنا، آموزه‌های اخلاقی سازمان‌های جوانان، لزوم پیوستن به سازمان‌های مذهبی جوانان)؛
- نجابت (بیان اهمیت نجابت، رفتارهای نجیبانه در اجتماع)؛
- مواد مخدر (چند ماده مخدر، علل روی آوردن به استفاده مواد مخدر، آثار و تبعات استفاده مواد مخدر، لزوم پرهیز از مواد مخدر، آموزش مهارت‌های خودپرهیزی از مواد مخدر) (RME's Curriculum for Junior High Schools, 2019).

در مقطع دبیرستان، چنانچه گذشت، صرفاً دانش‌آموزان رشته علوم انسانی یکی از دو درس «مطالعات مسیحی» و «مطالعات اسلامی» را باید بگذرانند. وزارت آموزش غنا سرفصل‌های این دروس را به صورت زیر تهیه نموده است:

سرفصل‌های درس CRS برای درس مطالعات مسیحی

- بخش اول: خلقت و هبوط نوع انسان، عهدهای خدا، نقش پیشوایان، مسئولیت والدین، دلالت‌های ساموئل شاتول، داوود: مردی بعد از تسخیر قلوب توسط خدا، تصمیم‌گیری، تعالی خدا، مرتد و اصلاحگر، ایمان به خدا، امید به آینده، نگرانی برای یک ملت؛
- بخش دوم: فرازهایی از انجیل‌های هم‌نوا، نهادها و فرقه‌های مذهبی در زمان عیسی، آشنایی با انجیل‌های هم‌نوا، روایت‌های تولد: تولد یوحنا و عیسی و مقدمه‌سازی رسالت عیسی، آزمایش‌های عیسی (عليه السلام)، رسالت ساکنان الجلیل، معجزات عیسی (عليه السلام)، مثال‌های عیسی (عليه السلام)، اعتراف بزرگ و تغییر شکل، عیسی در اورشلیم، داستان‌های شورانگیز؛
- بخش سوم: تاریخ اولین کلیساها، تعیین هفت نفر و اذیت و آوارگی کلیسا بعد از مرگ استفان، شاهدان بیشتر، اولین سفر مبلغین و شورای اورشلیم، رساله جیمز، رساله اول پیتر (Christian Religious Studies Syllabus, 2015).

سرفصل‌های درس IRS برای درس مطالعات اسلامی

بخش اول: تاریخ (جاهلیت، زندگی پیامبر ﷺ، خلفای راشدین ابوبکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب (علیه السلام) در غرب آفریقا)؛

بخش دوم: قرآن (نزول قرآن و اهمیت آن، قرائت و حفظ سوره قصار، درس‌های اخلاقی قرآن)؛

بخش سوم: حدیث (معنای حدیث و سنت و اهمیت آنها، قرائت و حفظ چند حدیث کوتاه)؛

بخش چهارم: عقاید و فقه (ایمان، شرک، طهارت، نماز، انواع نماز و نحوه به جای آوردن آن،

روزه، زکات، حج، شریعت، ازدواج، طلاق) (Islamic Studies Syllabus, 2015).

وزارت آموزش صرفاً «کتاب درسی آموزش‌های دینی و اخلاقی» را برای مقطع ابتدایی تهیه و توزیع و برای مقطع راهنمایی و دبیرستان به تهیه سرفصل‌ها اکتفا می‌کند. افراد مختلف می‌توانند کتاب‌ها را مطابق با این سرفصل‌ها تهیه کنند؛ اگرچه هر گونه انتشار کتب باید پیش از انتشار، موافقت شورای ملی برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی (NaCCA)^۱ را بگیرد. شورای ملی بازرسی (NIB)^۲ و شورای ملی تدریس (NIC)^۳ نیز همواره نظارت نزدیکی به اجرای این دروس در مراکز آموزشی دارند.

در مقطع تحصیلات عالی اگرچه رشته مطالعات ادیان با گرایش‌های مختلفی در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی وجود دارد، ولی وزارت آموزش هیچ دخالتی در تهیه سرفصل‌های آموزشی این رشته‌ها ندارد و محتوای رشته‌ها به دانشگاه سپرده شده است.

رویکرد دولت غنا به فعالیت‌های مراکز و مدارس دینی مذهبی

دولت غنا به مثابه یک دولت سکولار که بر جدایی «نهاد دین» از «نهاد دولت» تأکید دارد، اجازه نمی‌دهد بودجه عمومی برای مراکز و مدارس دینی صرف شود و لذا عهده دار هیچ مدرسه دینی نیست. از طرفی طبق قوانین آموزشی غنا هیچ مرکز رسمی حق ندارد از پذیرش و حضور دانش‌آموزی به خاطر وابستگی دینی، ملیت، نژاد و زبان دانش‌آموز و یا والدینش خودداری کند؛ چنانچه هرگونه استعلام و آزمون از وابستگی دینی دانش‌آموز قبل از پذیرش او ممنوع است (1961 Education Act). باوجود این قدرت و نفوذ شخصیت‌ها و نهادهای مذهبی، باعث شده است این مراکز تا حدودی از حمایت‌های دولت بهره‌مند و آزادانه فعالیت داشته باشند. تعامل دولت با مراکز و مدارس دینی را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:

1. National Council for Curriculum and Assessment

2. National Inspectorate Board

3. National Teaching Council

مراکز آموزش دینی در مقاطع عمومی و ثانویه

دولت غنا همواره از عدم رسمیت برخی مدارس دینی به عنوان یکی از چالش‌های مهم آموزشی یاد می‌کند و این مدارس را تشویق می‌کند در نردبان آموزشی غنا قرار گیرند و در سازمان خدمات آموزشی غنا (GES) ثبت شوند تا از کمک‌های دولت بهره‌مند شوند ضمن اینکه مدد رسان دولت در تحقق اهداف آموزشی توسعه کشور باشند. مدارس دینی که خواستار رسمیت در وزارت آموزش غنا هستند، لازم است صلاحیت‌های سخت افزاری و نرم افزاری مختلفی را کسب کنند تا از حمایت‌های دولت شامل پرداخت حقوق استادان، تأمین کتاب درسی، تغذیه، امکانات و تجهیزات آموزشی، رایانه و ... بهره‌مند شوند.

از طرفی دولت نیز اجازه می‌دهد در این مدارس براساس آموزه‌های دینی مؤسسان، مراسم دینی برگزار و دین مورد نظرشان تبلیغ شود. دروس فوق برنامه دینی گذاشته شود. لباس فرم و کد پوشش مخصوص خود را داشته باشند، مدیر مدرسه با هماهنگی مؤسس مدرسه تعیین شود (طبیعی است که سایر معلمان را حکومت بدون نیاز به هماهنگی به مدرسه می‌فرستد).

باوجوداین، وقتی مدرسه رسمیت یافت، حق ندارد از وابستگی دینی داوطلبان سؤال کند و از پذیرش آنها سرباز زند و یا به خاطر تغییر دین برای آنها محدودیت ایجاد کند. این امر باعث شده است که در برخی مدارس دینی، تعداد دانش‌آموزان وابسته به دین (مذهب) خاصی از تعداد دانش‌آموزان وابسته به آن دین (مذهب) پیشی بگیرد؛ چنانچه در دبیرستان احمدیه^۱ در کلان شهر کوماسی تعداد مسیحیان بیش از مسلمان شده است (Awuah-Nyamekye, 2011, p. 12).

۱. مراکز آموزش دینی در مقاطع تحصیلات تکمیلی

در کشور غنا رشته‌های دانشگاهی در قالب عناوین تعیین شده وزارت آموزش قرار ندارد. هر دانشگاه خصوصی می‌تواند رشته‌ای را با هر عنوانی تعریف کند و اعتبارنامه آن را -منوط به اینکه مستقل باشد و یا مجوز وابستگی^۲ یک دانشگاه مستقل را داشته باشد- از شورای ملی اعتبار بخشی (NAB)^۳ بگیرد. رشته‌های دینی در دانشگاه‌های غنا حضور پررنگی دارند. حدود ۵۰ رشته دینی در «دانشگاه‌های خصوصی» این کشور ارائه می‌شود. برخی رشته‌های دینی صرفاً ناظر به مباحث کلامی و الهیات است؛ همانند:

- رشته الهیات و تبلیغ، مقطع کارشناسی، کالج دانشگاه مرکزی؛

1. T.I Ahmaddiyya Senior High School

2. Affiliation

3. National Accreditation Board

- رشته مطالعات کتاب مقدس و تاریخ کلیسا، مقطع کارشناسی کالج دانشگاه مرکزی؛
- رشته مطالعات ادیان گرایش الهیات و تبلیغ، مقطع کارشناسی ارشد، کالج دانشگاه مرکزی؛
- رشته الهیات، مقطع کاردانی، کالج دانشگاه مسیحی آپوستولیک؛
- رشته الهیات، مقطع کارشناسی، کالج دانشگاه دومینیون؛
- رشته مطالعات دینی گرایش اسلامی، مقطع کارشناسی، کالج دانشگاه اسلامی غنا؛
- رشته مطالعات فرقه پنطیکاستی، مقطع کارشناسی ارشد، کالج دانشگاه پنطیکاست؛
- رشته الهیات در مقاطع کاردانی تا دکتری، حوزه علمیه الهیات تثلیث؛
- ...

برخی رشته‌های دینی ناظر به مدیریت کلیساست؛ مانند:

- رشته مدیریت کلیسا، مقطع کارشناسی، کالج دانشگاه مرکزی؛
- رشته مدیریت کلیسا و سازماندهی روحانیون، مقطع کارشناسی ارشد، کالج دانشگاه اوانجلیکا؛

- رشته مطالعات دینی و اداره کلیسا، مقطع کارشناسی، مؤسسه کاتولیک بازرگانی و الهیات؛
- ...

برخی رشته‌های دینی ناظر به مطالعات بین رشته‌ای است؛ همانند:

- رشته مطالعات کتاب مقدس با تأکید بر مطالعات بازرگانی، مقطع کاردانی و کارشناسی،

کالج دانشگاه ALL NATIONS

- رشته تعلیم و تربیت با گرایش تربیت دینی، مقطع کارشناسی، کالج دانشگاه باپتیست غنا؛
- رشته اخلاق دینی و روانشناسی، مقطع کارشناسی، کالج دانشگاه متدودیسٹ غنا؛
- رشته دین، ارزش‌های انسانی و تعلیم و تربیت، مقطع کاردانی و کارشناسی، مؤسسه پیتر مقدس؛

- رشته فلسفه و مطالعات دینی، مقطع کاردانی، کالج دانشگاه اسپیریتان؛

- و ... (NAB Website).

دانشگاه‌های دولتی، همانند دانشگاه غنا نیز رشته مطالعات دینی را تا مقطع دکتری ارائه می‌کند.

پلورالیسم دینی در غنا و آزاد گذاشتن فعالیت‌های آموزش دینی در غنا باعث شده است آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های دینی زیادی به وجود آیند. هم اکنون افزون بر صدها مدرسه دینی غنا، دانشگاه‌های دینی خصوصی زیادی در این کشور فعالیت دارند. از مجموع حدود ۷۰ دانشگاه

خصوصی غنا، بیش از ۳۰ دانشگاه، دینی اند که قریب به اتفاق دانشگاه‌های خصوصی مربوط به مسیحیت هستند. مؤسسات آموزش عالی حتی می‌توانند با عنوان «حوزه علمیه»^۱ فعالیت کنند. یکی از مهم‌ترین آنها، حوزه علمیه الهیات تثلیث است که تا مقطع دکتری آموزش‌های دینی ارائه می‌کند.^۲

دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌توانند همانند دیگر مؤسسات و شرکت‌ها برای استادان و دانشجویان «کد پوشش» تعریف کنند. چنانچه در دانشگاه اسلامی غنا (IUCG)^۳ تمام استادان و دانشجویان خانم باید سر خود را بپوشانند و یا در دانشگاه ولی ویو (VVU)^۴ پوشیدن برخی زیورآلات طبق مذهب آنها ممنوع است. شورای ملی اعتباربخشی غنا (NAB) و شورای ملی تحصیلات عالی (NCTE)^۵ بر حسن اجرای تمام ضوابط مربوط به تحصیلات عالی نظارت می‌کنند. سازمان اطلاعات غنا (IBN)^۶ نیز با حساسیت بیشتری مراکز دینی را رصد می‌کند تا از هر گونه رشد بنیادگرایی ممانعت به عمل آورد.

در کنار این مراکز دینی رسمی، مراکز متعدد دینی مانند مدارس حفظ قرآن و حوزه‌های علمیه مسیحیان و یا مسلمانان وجود دارد که از نظر دولت هیچ رسمیتی ندارند و البته می‌توانند در صورت ثبت به صورت شرکت، همانند دیگر شرکت‌ها فعالیت کنند.

آموزش‌های دینی اسلامی در غنا

طبق سرشماری دولتی، جمعیت مسلمانان غنا هم اکنون ۱۷/۶ درصد (حدود ۴/۷۵۲ میلیون نفر) است. هر چند از همان ابتدا (در سال ۱۹۶۰) یک مؤسسه خصوصی مسلمانان را حدود ۳۰ درصد اعلام کرد و همواره درصد مسلمانان این کشور مورد مناقشه رهبران مسلمان با دولت است و حتی گاه تا ۳۸ درصد نیز گفته می‌شود. با وجود این دولت در آمار رسمی جمعیت حداکثر ۱۸ درصد را پذیرفته است که مورد تأیید مراکز نظرسنجی معتبر نیز هست. ترکیب دینی مسلمانان طبق تحقیقات انجام شده توسط برخی مؤسسات تحقیقاتی و براساس نمونه‌گیری‌های انجام شده به صورت زیر است:

1. Seminary

۲. البته طی سال‌های اخیر بسیاری از این حوزه‌های علمیه ترجیح داده‌اند که با نام دانشگاه فعالیت کنند تا جذابیت آن برای جوانان و در نتیجه تعداد پذیرش بیشتر شود.

3. Islamic University Colleg. Ghana

4. Valley View University

5. National Council for Tertiary Education

6. Bureau of National Investigation

۱. ۵۱ درصد سنی که غالباً مالکی مذهب هستند (حدود ۲/۴۲۳/۰۰۰ نفر)؛

۲. ۲۷ درصد تیجانیه (حدود ۱/۲۸۳/۰۰۰ نفر)؛

۳. ۱۶ درصد احمدیه (حدود ۷۶۰/۰۰۰ نفر)؛

۴. ۸ درصد شیعه (حدود ۳۸۰ هزار)؛

با وجود جمعیت ۴/۵ تا ۸ میلیونی مسلمانان در غنا، آموزش‌های دینی اسلامی در این کشور وضع مناسبی ندارد. از بین فرق مسلمانان، احمدیه که «جهاد با شمشیر» را منسوخ می‌دانند و به جای آن «جهاد با قلم» را وظیفه هر مسلمانی می‌دانند، تشکیلات و سازماندهی بهتری دارند. در زیر گزارشی از وضعیت آموزش‌های اسلامی به تفکیک «آموزش‌های عمومی» و «آموزش‌های عالی» ارائه می‌شود.

انواع مراکز آموزشی اسلامی غنا در مقطع عمومی

در سال ۲۰۰۸ مؤسسه تحقیقاتی امریکایی USAID^۱ با مشارکت سازمان خدمات آموزشی غنا (GES) گزارش مبسوطی را با عنوان «آموزش‌های اسلامی در غنا» تهیه کرد. هدف از این گزارش آشنایی با نقاط قوت و نقاط ضعف، نیازها و تأثیرات مدارس اسلامی در غناست تا به سیاست‌های آتی مؤسسه USAID و GES کمک کند. طبق این گزارش مدارس اسلامی غنا که تحصیلات عمومی را ارائه می‌کنند، در یک طیف از غیررسمی به رسمی به چهار دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱. «مدارس سنتی قرآنی»: این مدارس عمدتاً به آموزش صرف و نحو زبان عربی و حفظ قرآن تأکید دارند. این مدارس Makaranta نامیده می‌شوند^۲ و شبیه مکتبخانه‌های قدیمی هستند که معمولاً در کنار مساجد قرار دارند. هزینه این مدارس با شهریه مختصری تأمین می‌شود که از دانش‌آموزان گرفته می‌شود؛ البته بسیاری از این مدارس از کمک خیرین مسلمان نیز استفاده می‌کنند. هم‌اکنون این مدارس نقش استقلالی خود را به عنوان مدرسه مستقل از دست داده‌اند؛ ولی به عنوان آموزش‌های مکمل دینی برای دانش‌آموزانی که در مدارس دولتی مشغول تحصیل هستند، بسیار نقش‌آفرین هستند.

۲. «مدارس عربی اسلامی»: زبان آموزشی در این مدارس عربی است. در این مدارس آموزش‌های سنتی قرآنی و دروس دیگر اسلامی و عمدتاً اخلاق و فقه تدریس می‌شود. این مدارس از نظر دولت غیررسمی هستند و ساختار بندی آموزشی مستقل از وزارت آموزش غنا دارد. برخی

1. The United States Agency for International Development

۲. کلمه Makaranta در زبان هوسا به معنای «مدرسه» است.

تحقیقات و نوشته‌های سال ۱۹۹۰ بیانگر این بود که آموزش‌های مدارس عربی، کودکان را در مسیر مهارت‌های لازم برای توسعه کشور قرار نمی‌دهند. این انتقادات و واقعیت‌ها که علمای مسلمان نیز آن را قبول داشتند باعث شد مخالفان این مدارس قوت یابند، هم اکنون تعداد این مدارس در حال کاهش است؛ هرچند برخی مراکز با حمایت دیگر کشورهای عربی (به‌ویژه عربستان) و عمدتاً با هدف ادامه تحصیل در آن کشورها بسیار فعال هستند. این مدارس نقش مهمی در گسترش بنیادگرایی اسلامی در غنا دارند. مدرسه عنبریه در تماله (شمال غنا) و «مرکز تحقیقات و اصلاحات اسلامی»^۱ بخش دبیرستان» در منطقه نیما در شهر آکرا (پایتخت غنا) از مهم‌ترین مدارس عربی اسلامی کشور غنا هستند.

۳. «مدارس عربی انگلیسی اسلامی»: نخستین تلاش‌ها برای تدریس آموزش‌های غیردینی در مدارس اسلامی توسط فرقه احمدیه در شهر تماله در سال ۱۹۴۵ انجام گرفت (Owusu, 2013). طی بیست سال گذشته نیز علمای دیگر فرقه مسلمانان نگرانی‌هایی را از سهم اندک مسلمانان در جایگاه‌ها و پست‌های رسمی سیاسی و اقتصادی غنا اظهار می‌کردند. اما آنها نیز می‌دانستند مهم‌ترین علت این امر، نداشتن مدرک و تخصص‌های لازم و حتی تسلط نداشتن به زبان انگلیسی بود. به منظور رفع این نواقص مدارس عربی انگلیسی اسلامی تأسیس شد. این مدارس، آموزشگاه‌های خصوصی هستند که دروس سکولار را مطابق برنامه‌ریزی دولت به زبان انگلیسی ارائه می‌کنند و در کنار آن بخشی از برنامه درسی را به برنامه‌ریزی عربی و اسلامی اختصاص می‌دهند. این مدارس تا زمانی که در سازمان خدمات آموزشی غنا (GES) ثبت نشوند، حمایت کامل دولت (پرداخت حقوق استادان، کتاب و...) را نخواهند داشت. دانش‌آموختگان این مدارس برای کسب مدرک رسمی باید به صورت فردی در امتحانات پایان دوره راهنمایی (BECE) و یا دبیرستان (WASSCE) شرکت کنند. تعداد این مدارس در غنا زیاد است؛ هر چند بسیاری از آنها تلاش می‌کنند با کسب استانداردهای لازم، جزء مدارس دولتی قرار گیرند تا از حمایت‌های دولتی برخوردار شوند.

۴. «مدارس اسلامی دولتی»: پیشگام الحاق مدارس اسلامی به مدارس دولتی فرقه احمدیه بودند. آنها با ایجاد واحد آموزش‌های احمدیه (AEU)^۲ همکاری‌هایی را با GES شروع کردند تا مدارس احمدیه را به عنوان مدرسه دولتی به ثبت برسانند. در سال ۱۹۸۷ واحد آموزش‌های اسلامی (IEU)^۳ نیز تشکیل شد تا شناسایی و ثبت دیگر مدارس اسلامی را در GES دنبال نماید.

1. The Islamic Research and Reformation Center

2. Ahmadiyya Education Unit

3. Islamic Education Unit

واحدهای آموزشی AEU و IEU سازمان‌های رسمی و دولتی در غنا نیستند و صرفاً نقش هماهنگ کننده با GES را دارند. این واحدها افزون بر پیگیری ثبت مدارس، بر دروس و معلمان دینی نیز نظارت می‌کنند. به همین دلیل برخی مدارس اسلامی به دلیل ملاحظات مذهبی شان ترجیح می‌دهند خودشان مراحل ثبت در GES را دنبال کنند و تابع واحد آموزش‌های اسلامی (IEU) نباشند.

ثبت مدارس اسلامی در غنا گرچه باعث کارایی دانش‌آموزان مسلمان در آینده و نیز جلب حمایت‌های دولتی می‌شود، باوجود این از تعداد ساعات آموزش‌های اسلامی به شدت می‌کاهد و تقریباً ماهیت اسلامی آنها را از بین می‌برد؛ به طوری که به علت تراکم زیاد دروس، کمتر از ۵ ساعت در هفته می‌توانند برنامه‌های آموزش اسلامی را دنبال کنند. این امر مالکان و مدیران این مدارس را به فکر انداخت تا با راه‌اندازی آموزش‌های پاره‌وقت در روزهای پایان هفته (شنبه و یکشنبه) و یا عصرها، آموزش‌های اسلامی و قرآنی شبیه مکتبخانه‌ها را بگذارند و اهداف اسلامی خود را دنبال کنند.

به‌رحال بسیاری از کارشناسان اسلامی و علمای غنا معتقدند مدارس اسلامی تحصیلات عمومی (پیش از دانشگاه) در مسیر درستی قرار گرفته‌اند. برخلاف کشوری مثل نیجریه که نگاه منفی برخی علما و خانواده‌های مسلمان به آموزش‌های دولتی باعث ایجاد گروه‌هایی مثل بوکوحرام (به معنای آموزش سکولار حرام است) شد، بسیاری از اندیشمندان و والدین مسلمان غنا به این آموزش‌ها به‌ویژه آنگاه که در کنار آن آموزش‌های اسلامی ارائه شود، نگاه مثبتی داشته‌اند. در یک نظرسنجی از والدین مسلمان، ۹۶ درصد آنها استانداردهای آموزشی در این نوع مدارس اسلامی را همسطح و یا حتی بهتر از مدارس غیر اسلامی می‌دانستند. این والدین معتقد بودند با تحصیل فرزندانشان در این مدارس، آنها آینده و اخلاق بهتری خواهند داشت. مخارج ۶۵ درصد مدارس اسلامی توسط دولت تأمین می‌شود. ۳۱/۲۵ درصد با شهریه دریافتی از دانش‌آموزان و ۶/۲۵ درصد با حمایت صندوق‌های خیریه خارجی تأمین می‌شوند (USAid, 2008).

مراکز آموزشی اسلامی غنا در آموزش عالی

الف. دانشگاه‌های مربوط به فرقه احمدیه

دانشگاه‌های احمدیه در غنا «دانشگاه‌های تربیت مبلغ احمدیه» هستند. ساختار دانشگاهی تربیت مبلغ احمدیه دارای سه مقطع «شهادت»، «مبشر» و «معلم» است. آنها در کشورهای مختلف کانادا،

انگلستان، پاکستان، هند، آلمان، نیجریه، اندونزی، بنگلادش، مالزی، تانزانیا، سریلانکا، سیرالئون، کنیا و غنا دانشگاه دارند. احمدیه در غنا دارای دو دانشگاه است:

۱. **جامعه المبشرین:** این دانشگاه که نخستین مرکز عالی آموزشی مسلمانان غناست در سال ۱۹۶۶ در شهر سالت پوند^۱ با نام کالج آموزش مبلغ احمدیه (AMMTC)^۲ ایجاد شد. این کالج کارش را با جذب دانشجویان اندکی از غنا و نیجریه آغاز کرد و در سال ۲۰۰۳ به شهر اکمفی اکتافو^۳ زادگاه فرقه احمدیه در غنا منتقل شد و در سال ۲۰۱۰ به نام «جامعه المبشرین» تغییر نام داد. براساس اطلاعات سایت رسمی دانشگاه، این دانشگاه تاکنون ۴۱۱ دانش‌آموخته از ۲۰ کشور آفریقایی داشته است که سهم زیادی در ترویج آیین احمدیه در قاره آفریقا داشته‌اند؛

۲. **دانشگاه بین‌المللی الهیات احمدیه:** این دانشگاه در سال ۲۰۱۲ در شهر مانکسیم^۴ تأسیس شد و کار خود را با پذیرش دانشجویان معدودی از هشت کشور آفریقایی شروع کرد. دانشجویان برای دوره «شهید» که هفت سال طول می‌کشد، پذیرش می‌شوند. هر دو دانشگاه احمدیه دارای ساختمان‌های مجهز اداری، مسجد جامع، سالن غذاخوری، و ... هستند. هیچ‌کدام از این دانشگاه‌ها در شورای ملی اعتبارسنجی (NAB) ثبت نشده‌اند و مدرک آنها بی اعتبار است. سایت رسمی NAB نسبت به بی اعتبار بودن این دانشگاه‌ها هشدار داده است.

ب. کالج دانشگاه اسلامی غنا (IUCG)^۵

کالج دانشگاه اسلامی غنا نخستین دانشگاه معتبر مسلمانان غناست. این دانشگاه خصوصی در سال ۲۰۰۲ کار خود را آغاز کرد. دانشگاه با وابستگی دانشگاه غنا (UG)^۶ در مقطع کارشناسی ۹ رشته و گرایش مطالعات دینی (گرایش اسلام شناسی)، حسابداری، بانکداری، مدیریت منابع انسانی، بازاریابی، تعلیم و تربیت، تبلیغات، خبرنگاری و روابط عمومی دانشجویان می‌پذیرد و دانشنامه‌های صادره دانشگاه مورد تأیید NAB است. دانشگاه از دانشجویان شهریه دریافت می‌کند که بخش عمده هزینه‌های دانشگاه را پوشش می‌دهد. این دانشگاه حدود ۱۰۰۰ دانشجوی دارد و دانشجویان دانشگاه به ترتیب فراوانی از پیروان اهل سنت، تیجانیه، احمدیه، شیعه،

1. Salt Pond
2. Ahmadiyya Muslim Missionary Training College
3. Ekumfi-Ektawfo
4. Mankessim
5. Islamic University College Ghana
6. University of Ghana

مسیحیت و سایر ادیان هستند. کالج دانشگاه اسلامی غنا توسط جامعه المصطفی العالمیه جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده و حمایت می‌شود. تاکنون بیش از دو هزار نفر از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند که در مناصب مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور غنا مشغول فعالیت هستند.

ج. مؤسسه عالی علوم و تکنولوژی مدینه (MIST)^۱

این مؤسسه عالی به‌عنوان یک مؤسسه خصوصی به تازگی در آکرا (پایتخت غنا) تأسیس شده است و دارای ساختمان‌های متعدد اداری، آموزشی، مسجدی با ظرفیت ۱۵۰۰ نفر، چندین خوابگاه و ... است. «جمعیه الضیاء قطر» با همکاری چندین جمعیت خیریه قطر از مؤسسين این مؤسسه عالی هستند. این مؤسسه آموزش عالی با وابستگی دانشگاه علوم و تکنولوژی قوام نکرومه (KNUST)^۲ و دانشگاه مطالعات توسعه (UDS)^۳ فعالیت می‌کند. هم‌اکنون دانشگاه دارای رشته‌های مهندسی مکانیک، مهندسی شهری، مهندسی نفت و گاز، مدیریت بازرگانی، حسابداری، بانکداری و مالیه، مدیریت منابع انسانی، بازاریابی، زبان انگلیسی، مطالعات دینی (گرایش اسلام شناسی) و زبان‌های عربی و فرانسوی می‌باشد.

با توجه به اینکه نخستین و مهم‌ترین دانشگاه معتبر مسلمانان کالج دانشگاه اسلامی غنا وابسته به یک دانشگاه شیعی و ایرانی است، طی چند سال اخیر، برخی نویسندگان اهل سنت کشورهای عربی با نگارش مقالاتی چون «شیعیان با فعالیت‌هایشان جایگاه ما را تخریب کردند» (عبدالله بن راضی: بی تا) و «انقلاب ایران در غنا» (یوسف عمر جلو: ۱۴۳۳ق) و «غنا زیر چنگال‌های شیعه درد می‌کشد» (مسلم محمد جودت الیوسف: بی تا) درباره موفقیت‌های شیعه در کشور غنا عواطف اهل سنت را تحریک کرده و از آنها استمداد کرده‌اند. مؤسسه عالی علوم و تکنولوژی مدینه (MIST) در واقع در پاسخ به همین فراخوان تأسیس شد.

د. سایر مراکز آموزش عالی اسلامی

افزون بر مراکز یادشده، مراکز اسلامی دیگری نیز هستند که در زمینه تحصیلات عالی اسلامی فعالیت می‌کنند که البته شورای ملی اعتباربخشی (NAB) بیشتر آنها را به رسمیت نمی‌شناسد. یکی از مدل‌های نسبتاً موفق اسلامی در غنا، مدارس زنجیره‌ای اسلامی (از ابتدایی تا آموزش عالی)

1. Madina Institute of Science and Technology

2. Kwame Nkrumah University of Science and Technology

3. The University for Development Studies

مربوط به «انجمن اسلامی غنایی برای آموزش و اصلاحات (GISER)»^۱ است. این انجمن دارای مدرسه (ابتدایی و راهنمایی) اسلامی مدینه (MIS)،^۲ دبیرستان اسلامی غنایی لبنانی (GLISS)،^۳ مدرسه بین‌المللی الریان (ARIS)،^۴ کالج قرآن و مطالعات اسلامی (CQIS)^۵ و سرانجام حوزه علمی و مرکز تربیت معلم مسلمانان (MTTI)^۶ است. مدرسه MIS و دبیرستان GLISS از جمله موفق‌ترین مراکز آموزشی اسلامی در غنا هستند که بارها به خاطر عملکرد خوب آموزشی مورد تشویق دولت غنا قرار گرفته‌اند. مدرسه بین‌المللی الریان در مقطع ابتدایی تا دبیرستان مطابق با نظام آموزش ملی انگلیس و برنامه آموزش بین‌المللی کمبریج فعالیت می‌کند، کالج قرآن و مطالعات اسلامی وابسته به «دانشگاه بین‌المللی آفریقا» در کشور سودان است و دو رشته «قرائت قرآن» و «تفسیر قرآن» را مطابق برنامه چهار ساله این دانشگاه برگزار می‌کند. البته با توجه به اینکه مراحل ثبت کالج در نظام آموزش عالی غنا طی نشده است، شورای ملی اعتباربخشی غنا (NAB) آن را به رسمیت نمی‌شناسد. حوزه علمی MTTI در شهر کوماسی است و برنامه سه ساله دروس اسلامی با تأکید بر حفظ قرآن را اجرا می‌کند و بسیاری از دانش‌آموختگان آن برای ادامه تحصیل به کشورهای عربستان سعودی، مصر، سودان و نیجر می‌روند. این حوزه نیز از نظر شورای NAB فاقد اعتبار است.

ارزیابی رویکرد غنا به آموزش‌های دینی

کشور غنا یک کشور پیشرو در غرب آفریقا و یکی از مذهبی‌ترین کشورهای دنیا با حکومتی سکولار است که مطالعه رویکرد آن به آموزش‌های دینی قابل توجه است. بسیاری از دولت‌های سکولار رویکرد پدیدارشناختی و «تعلیم درباره تعهد» را در آموزش‌های دینی خود دنبال می‌کنند. به طور مثال روش غالب آموزش‌های دینی در انگلستان، اسکاتلند، دانمارک، نروژ، سنگاپور و ... همین رویکرد است (Tan, 2020, p. 4). در اصلاحات اول قانون اساسی آمریکا نیز همین رویکرد پدیدارشناختی مورد تأکید قرار گرفت (Ibid)؛ اما در کشور غنا بیش از آنکه دغدغه اصلی از آموزش‌های دینی صرفاً آشنایی فراگیران با اختلافات دینی با رویکرد پدیدارشناختی باشد، هدف از این آموزش‌ها آشنایی دانش‌آموزان با زیست مؤمنانه است.

1. The Ghana Islamic Society for Education and Reformation
2. Madina Islamic School
3. Ghana Lebanon Islamic Secondary School
4. Al-Rayan International School
5. College of Holy Quran & Islamic Studies
6. Muslim Teacher Training Institute

چنانچه گذشت این درس در آغاز «دستورالعمل دینی» نام داشت. بررسی سرفصل‌ها و متون آموزشی دینی نیز نشان می‌دهد که دغدغه اصلی متولیان آموزش ایجاد تعهد فراگیران به مضامین دینی (از جمله ایمان به خدا، آشنایی با الگوهای دینی، فواید زیست مؤمنانه و زندگی پاک، آشنایی با کيفر و پاداش اعمال، اهمیت مناسک دینی و...) به‌ویژه در مقطع ابتدایی و راهنمایی است؛ البته همانند دیگر کشورهای سکولار خداناباوران و لیبرال‌های مذهبی مخالف این رویکرد بوده و تلاش کرده‌اند این درس را به بهانه ارتباط چندانی با مهارت‌های حرفه‌ای و توسعه‌ای مورد نیاز کشور ندارد، به آموزش‌های اخلاقی بر اساس ارزش‌های اومانستی فرو بکهند (Awuah-Nyamekye, 2011, p. 22)؛ اگرچه تاکنون چندان موفق نبوده‌اند. باوجود این تنوع مذهبی در غنا باعث شده است هر کدام از درس‌های دینی (به طور مثال آشنایی با خدا) به طور مقارنه‌ای بین سه دین مسیحیت، اسلام و ادیان بومی دنبال شود.

واضح است این روش در بهترین وضعیت ایجاد تعهد به مشترکات این سه دین است و نمی‌تواند دانش‌آموز را به یکی از این ادیان متعهد و دلداده کند و لذا نمی‌توان روش به‌کارگرفته شده توسط متولیان آموزشی غنا را تماماً رویکرد «آموزش از روی تعهد» دانست که شرح آن در ابتدای مقاله گذشت. این وضعیت باعث ایجاد مشکلات دیگری نیز در فرایند آموزش‌های دینی در غنا شده است. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

۱. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که وزارت آموزش غنا برای تدریس درس‌های دینی مواجه است، فقدان استادان صلاحیت‌دار است؛ چنانچه در برخی گزارش‌ها اشاره شده است بسیاری از معلمان مسیحی، تسلط و درک درستی از آموزه‌های اسلامی ندارند که بتوانند به درستی آن را به شاگردانشان آموزش دهند (Kudadjie: 1996, p.182). طی تحقیق سال ۲۰۰۵ دانشگاه کیپ کاست غنا مشخص شد عمده آموزش‌های دینی غنا اعم از مدارس دینی مسلمانان و مسیحیان غنا «معلم محور» هستند و آموزه‌های دینی با تأثیر پذیری از آیین مورد قبول استاد متفاوت می‌شود (Awuah-Nyamekye, 2011, p. 23)؛

۲. مؤسسان و مدیران مراکز دینی اعم از مقاطع عمومی، ثانویه و تحصیلات تکمیلی، همواره با ایجاد «تبعیض‌های مثبت» به نفع پیروان خودشان، هر چند پنهانی، سعی می‌کنند ترکیب جمعیتی مراکزشان را به نفع پیروان خودشان تغییر دهند؛ ضمن اینکه در بسیاری از موارد، به‌ویژه در مقاطع عمومی تمام دانش‌پژوهان را ملزم به حضور در مراسم دینی خودشان می‌کنند و هرگونه استنکاف او را مقارن بی‌انضباطی تلقی می‌نمایند و یا در برخی مراکز آموزشی مسیحی به دلیل تعریف کد پوشش، برای حضور دانش‌آموز محجبه مانع تراشی می‌کنند. این امر همواره باعث انتقادهای زیادی از طرف رسانه‌ها به این مراکز دینی شده است؛

۳. والدین مذهبی غنایی که دغدغه تربیت دینی فرزندانشان را دارند، اعتمادی به این آموزش‌ها ندارند و آن را آموزش دینی مورد نظرشان نمی‌دانند. به همین دلیل بسیاری از آنها به دنبال آموزش‌های دینی مکمل هستند و فرزندانشان را در مراکز و مکتبخانه‌های دینی روزهای پایان هفته (شنبه و یکشنبه) و یا عصرها، ثبت نام می‌کنند. واضح است که این امر به تقویت مراکز حاشیه‌ای و غیررسمی دینی می‌انجامد که مورد نظر حکومت نیست؛

۴. مسیحیان اکثریت دینی غنا را تشکیل می‌دهند و از لابی‌ها و سازمان‌های قدرتمند برای تبلیغ مسیحیت استفاده می‌کنند. بسیاری از آنها در عمل ترتیبات دینی را در راستای تقویت مسیح تنظیم می‌کنند. در مراسم صبحگاهی بسیار از مدارس دولتی دعاها به روش مسیحیت انجام می‌شود و در برخی مدارس حضور دانش‌آموزان را در مراسم دینی مسیحی الزامی می‌کنند. این امر باعث شده است برخی والدین مسلمان از ترس ایمان فرزندانشان آنها را از رفتن به مدرسه بازدارند. در سال ۲۰۰۸ دانش‌آموز مسلمانی که نمی‌خواست در مراسم دینی مسیحیان شرکت کند و خود را در کلاسی در طبقه چهارم مدرسه مخفی کرده بود، از ترس به پایین سقوط کرد و درگذشت (Daily Graphic:2008). این حادثه اگرچه بازتاب فراوانی در رسانه‌ها داشت و مسلمانان خواستار توقف دعا به روش مسیحی شدند، ولی باعث نشد تغییری در این سیاست ایجاد شود (Quashigah, 2010, p.336).

جمع‌بندی و بایسته‌های پژوهشی پیش‌رو

در این نوشتار بیان شد که بازگشت قوی دین به عرصه‌های اجتماعی طی سال‌های اخیر و لزوم همزیستی مسالمت‌آمیز در یک جامعه کثرت‌گرا باعث شده است برخی دولت‌های سکولار توجه ویژه‌ای به «آموزش‌های دینی» داشته باشند. دولت‌های سکولار رویکردهای متفاوتی در تعامل خود با شهروندان مذهبی‌شان داشته‌اند. کشور غنا در غرب آفریقا، یکی از کشورهای پیشگام در ارائه آموزش‌های دینی توسط دولت سکولار است که با وجود کش و قوس‌های فراوان، حدود شصت سال در این زمینه تجربه دارد. متولیان آموزش دینی در کشور غنا از بین دو رویکرد «تعلیم درباره تعهد» و «تعلیم از روی تعهد» رویکرد میانه‌ای را اتخاذ کرده‌اند. رویکردی که ضمن آگاهی‌بخشی از تفاوت آموزه‌های دینی به دنبال ایجاد تعهد به اصول مشترک سه دین اسلام، مسیحیت و ادیان بومی آفریقا است و دانش‌آموزان را به زیست مؤمنانه ترغیب می‌کند. اما همچنان درباره اینکه چقدر توانسته است به اهداف مورد نظر از ارائه این آموزش‌های برسد، مجادلات فراوانی در داخل و خارج غنا وجود دارد. به هر حال راه‌های نرفته و قله‌های فتح نشده در مسیر

تعالی و رشد این آموزش‌ها در عرصه بین‌الملل و از جمله کشور غنا بسیار زیاد است. برخی از «بایسته‌های پژوهشی» در این باره را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. دولت‌های مختلف اعم از دولت‌هایی که خودشان را دولت دینی، دولت سکولار و یا دولت ملحد نامیده‌اند، تعاملات بسیار مختلف و متنوعی با مقوله آموزش‌های دینی برای شهروندانشان دارند؛ به طوری که نمی‌توان قضاوت فراگیری درباره وضعیت آموزش‌های دینی در این کشورها داشت. برای هر گونه سیاست‌گذاری و دیپلماسی آموزشی و دینی بایسته است رویکرد هر کشور جداگانه مطالعه و بررسی شود؛

۲. کشور غنا خود را کشوری سکولار می‌داند. با وجود این، نباید انگاشت غنا کشوری دین‌ستیز و یا بی‌تفاوت به «آموزش‌های دینی» است. بازگو کردن تجربیات و موفقیت‌های این کشور که با وجود وسعت این آموزش‌ها، از سطح بالایی از همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان برخوردار است و یکی از امن‌ترین و نقش‌آفرین‌ترین کشورهای منطقه است، می‌تواند مسیر را برای کسانی روشن‌تر نماید که در نقش ایجابی این آموزش‌ها تردید دارند؛

۳. مطالعه اسناد دولت‌های سکولار (و از جمله غنا) نشان می‌دهد برخی ارزش‌ها در هسته سخت ارائه این آموزش‌ها قرار دارند. «افزایش آستانه تحمل مذهبی»، «همزیستی مسالمت‌آمیز»، «صلح و دوستی»، «مشارکت در گفتگو»، «تنوع مذهبی و کثرت‌گرایی»، «آزادی انتخاب»، «آزادی عبادت» و حتی «بهبود دموکراسی» از جمله این ارزش‌ها هستند. تأکید بر این ارزش‌ها و تأیید آنها، هر چند با ملاحظاتی از نظر ما، می‌تواند بستر مهمی برای ارائه مفاهیم دینی و بهبود دیپلماسی دینی و آموزشی باشد. در مقابل نیز مفاهیمی چون «تغییر دین»، «بنیادگرایی دینی» و «خشونت مذهبی» می‌تواند عرصه آموزش دینی در یک کشور سکولار را محدود و ضیق نماید. ارائه تصویری از دین اسلام که ولو با ملاحظاتی مؤید (نافی) این ارزش‌های ایجابی (ارزش‌های سلبی) باشد، یک بایسته و ضرورت پژوهشی است؛

۴. ارائه آموزش‌های دینی به‌ویژه آنجا که یک کشور خارجی نیز در آن نقشی داشته باشد، مقوله‌ای است که ظرافت‌ها و حساسیت‌های بسیاری تقریباً در تمام کشورها دارد. تعاملات آموزشی دو کشور آنگاه که پای «آموزش‌های دینی» در میان باشد، می‌تواند فرصت‌آفرین یا مخاطره‌آمیز باشد. بنابراین همواره باید ظرافت‌ها، رویکردها، مدل‌ها، نظریات، قالب‌های متعارف و حتی حساسیت‌های موردی آموزش‌های دینی را مد نظر قرار داد. این امر می‌تواند که ادبیات علمی در این باره در کشور ما رشد کند. راه‌اندازی نشریات، مؤسسات پژوهشی و پایگاه‌های تخصصی و علمی که به این مقوله بپردازند، می‌تواند در این باره راهگشا باشد.

منابع

۱. عبد الله بن راضی؛ "الشیعة أفسدوا واقعنا بنشاطاتهم"؛ (بی‌تا) شبکه نور الإسلام .www.islamlight.ccell.mobi
۲. مسلم محمد جودت الیوسف؛ "غانا تتألم من أنياب التشیع فهل من مجیب"، (بی‌تا) صید الفوائد، .www.saaaid.net
۳. یوسف عمر جلو؛ "الثورة الإيرانية فی غانا"؛ ۱۴۳۳؛ http://www.salmajed.com
4. "A brief history of the Ghanaian educational system"; Dutch charity organization/ www.net4kids.org.
5. "Public spending on education, total (% of government expenditure)". World Bank. Retrieved 15 January 2014/ www.worldbank.org.
6. "Religion in Education. A contribution to Dialogue or a factor of Conflict in transforming societies of European countries"; Project noNo.: 028384/ www.cordis.europa.eu.
7. Ackerman, A. B. (2003), *Social Justice in a Liberal State*, New Haven, CT: Yale University Press; 1980.
8. Anti, K.K. and Anum, E.B. Religion and Moral Education. (Module for Centre for Continuing Education) University of Cape Coast.
9. Al-Rayan International School/ www.aris.edu.gh/Al-Rayan International School.
10. Awuah-Nyamekye, Samuel (2011), *Religious Education in A Democratic State: The Case of Ghana*, Department of Religion & Human Values, University of Cape Coast, Ghana.
11. Bartkowiak, J. (1999). Fear of God: Religious education of children and the social good. In U. Narayan (Ed.), *Having and Raising Children* (pp. 193-207). Pennsylvania: Pennsylvania University Press.
12. Daily Graphic, Monday, 17 March 2008/ www.graphic.com.gh.
13. Education about Religions and Beliefs, United Nations Alliance of Civilizations (UNAOC)/ www.erb.unaoc.org/ Education About Religions and Beliefs – UNAOC.

14. Education Act; Act No. 47; Republic of Ghana, 1961/ www.legislation.nsw.gov.au; 1961 Education Act; Act No. 47; Republic of Ghana.
15. Ghana Education Service (GES), ministry of education ghana, Annual Reports; www.ges.gov.gh.
16. Ghana Statistical Services; www.statsghana.gov.gh
17. Hirst, P.H. (1973). Liberal education and the nature of knowledge. R.S. Peters (Ed.); *The Philosophy of Education* (pp. 87-111). Oxford: Oxford University Press.
18. Jackson, Robert (2012), *Religion, Education, Dialogue and Conflict; Perspectives on Religious Education Research*, 1st edition; Routledge.
19. Jamiatul Mubashireen, Ghana/ www.jamiatulmubashireen.org, Jamiatul Mubashireen, Ghana.
20. Kazepides, T. (1982), "Is religious education possible?", A rejoinder to W. D. Hudson, *Journal of Philosophy of Education*.
21. Kazepides, T. (1983). Is religious education possible? A rejoinder to W.D. Hudson. *Journal of Philosophy of Education*, 17(2), 259-265.
22. Kudadjie, Narteh & Rev Joshua (1996), "Challenges facing religious education and research in Africa: the Ghana case", *Brill Online Books and Journals*, Vol. 3, Issue 2. Pp. 180-193.
23. LaFollette, H., (1996), *Freedom of religion and children; Children's Rights*, Belmont, CA: Wadsworth.
24. Long, Fiachra (2012), "Religious Education in a Secular Society", *The Furrow*, vol. 63, No. 12, pp. 603-609.
25. Madeley, John T. S. (2003), "Enyedi, Zsolt; Church and State in Contemporary Europe: The Chimera of Neutrality", *Psychology Press*.
26. Madina Institute of Science and Technology (MIST)/ www.mist.edu.gh/updates.htm, Madina Institute of Science and Technology (MIST).
27. McLaughlin, T. H. (1984), "Parental rights and the religious upbringing of children", *Journal of Philosophy of Education*, Vol.18, No.1, July 1984, pp:75-83.
28. Ministry of Education, Republic of Ghana Religious and Moral Education Curriculum for Junior High Schools; September 2019.
29. National Accreditation Board (NAB)/ www.nab.gov.gh, National Accreditation Board (NAB).

30. ODIHR Advisory Council (2007), "Toledo Guiding Principles on Teaching about Religions and Beliefs in Public Schools", <https://www.osce.org>.
31. Owusu-Ansah, David & Abdulai Iddrisu and Mark Sey (2013), *Islamic Learning, the State and the Challenges of Education in Ghana*, Africa World Press, Inc.; First edition edition.
32. Pew Research Center (2012), "The Global Religious Landscape", *Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life*.
33. Pew Research Center (2018), "The Age Gap in Religion Around the World", *Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life*.
34. Pew Research Center (2014), "Global Religious Diversity", *Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life*.
35. Quashigah, Kofi (2010), *Religion and the Secular State in Ghana*, University of Ghana, <https://www.iclrs.org>.
36. Religious and Moral Education Curriculum for Primary Schools (Basic1-6); Ministry of Education, Republic of Ghana; September 2019.
37. Tan, Charlene (2020), "Religious Education And Indoctrination", <https://www.encyclopedia.com>; Updated Aug 30 2020.
38. The Educational System of Ghana; Embassy of the United states/www.ghana.usembassy.gov; "The Educational System of Ghana "; Embassy of the United states.
39. The Ghana Islamic Society for Education & Reformation/ www.giser.org.gh/ The Ghana Islamic Society for Education & Reformation.
40. The Ministry of Education, Ghana/ www.moe.gov.gh, The Ministry of Education, Ghana.
41. The National Council for Tertiary Education (NCTE)/ www.ncte.edu.gh, the National Council for Tertiary Education (NCTE)..
42. United Nations Alliance of Civilizations/ www.unaoc.org/ United Nations Alliance of Civilizations.
43. University of Applied Management/ www.ghana.my-university.com, University of Applied Management.
44. University of Ghana/ www.ug.edu.gh, University of Ghana.

45. USAID (2008), *Islamic Education sector- study Ghana*, Education Development Center, Inc. (EDC), United States Agency for International Development.
46. WASSCE / WAEC (2015), *Christian Religious Studies Syllabus* (For Candidates in Ghana Only); <https://www.larnedu.com>; 2015.
47. WASSCE / WAEC Islamic Studies Syllabus (For Candidates in Ghana Only); <https://www.larnedu.com>; 2015.
48. Zucca, Lorenzo, *A Secular Europe. Law and Religion in the European Constitutional Landscape*; Oxford University Press, 2012.